

بررسی روانشناسی مدیریت نوین آموزشی " آموزش مهارت‌های زندگی " مدارس ابتدایی در جمهوری اسلامی ایران

طاهره روشنی* : عضو هیأت علمی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

چکیده: هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی روانشناسی مدیریت نوین آموزشی "آموزش مهارت‌های زندگی" مدارس ابتدایی در جمهوری اسلامی ایران» بود. روش پژوهش حاضر از نوع غیرآزمایشی و توصیفی پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه معلمان شاغل مدارس ابتدایی در پایه‌های تحصیلی اول تا پنجم در شهر ایلام تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و از طریق فرمول نمونه‌گیری مورگان تعداد ۱۶۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی پرسشنامه مورد تأیید متخصصین و اساتید قرار گرفت و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶۷ و تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان داد که معلمان بیش از اندازه متوسط معتقد به رشد مهارت‌های زندگی دانش آموزان از طریق آموزش درس مهارت‌های زندگی در مقطع ابتدایی هستند. دیدگاه معلمان زن در مورد نقش این آموزش‌ها در زمینه رشد مهارت‌ها در دانش آموزان به نسبت دیدگاه معلمان مرد بهتر بود ولی از جنبه تحصیلات و سنوات خدمت اختلاف معناداری مشاهده نگردید.

کلمات کلیدی: روانشناسی، مدیریت نوین آموزشی، آموزش مهارت‌های زندگی، مدارس ابتدایی.

*نویسنده‌ی مسؤول: عضو هیأت علمی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

(Email: t.roshani91@yahoo.com)

مقدمه

تعلیم و تربیت در رشد فردی و اجتماعی انسان نقش اساسی ایفا می‌کند و در جهان امروز آموزش و پرورش یکی از مهمترین و مؤثرترین سازمان‌ها برای رسیدن به این هدف می‌باشد که در این میان آموزش ابتدایی از اهمیت خاصی برخوردار است. آموزش ابتدایی پایه و اساس کلیه آموزش‌ها است. فرایند کیفیت در مدارس ابتدایی به عنوان نقطه شروع اثربخشی نظام آموزشی مهم می‌باشد. چهار ویژگی در بهبود کیفیت مدارس ابتدایی حائز اهمیت هستند که شامل توجه به نقش و وظایف، سیستم‌های همکارانه و تیمی در مدارس، وجود منابع و ایجاد تغییرات و پاسخگویی به دانش‌آموز و توانمندسازی کارکنان مدارس می‌باشند (یاو و چینگ، ۲۰۱۳). دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران دانش‌آموزان گروه سنی ۱۱-۷ ساله را دربر می‌گیرد و این دوره به دلیل ویژگی‌ها و شرایط سنی کودکان از اهمیت و حساسیت بیشتری نسبت به دوره‌های تحصیلی دیگر برخوردار است زیرا:

- کودکان در این دوره بیشترین آمادگی را برای یادگیری دارند.

- انگیزه و علاقه کودکان به آموختن با توجه به گرایش فطری آنها به جستجوگری و پرسشگری و کسب شناخت بالاست.

- دوره ای است که شخصیت دانش‌آموزان شکل می‌گیرد و آینده آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این دوره کودکان هنوز قالب شخصیتی پیدا نکرده‌اند و شرایط لازم را برای کسب تجارب ارزشمند دارند.

- تصورات دانش‌آموزان نسبت به معلم کتاب مدرسه آموختن و... شکل می‌گیرد (شکوهی، ۱۳۸۷)

در آموزش ابتدایی آموزش مهارت‌های فکری پایه و گسترش افق فکری کودکان به عنوان یکی از هدف‌های اساسی تعلیم و تربیت درآمده است (بندک و همکاران، ۱۳۹۳). دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی، به خصوص در سال‌های اولیه با توجه به محتویات برنامه درسی و آموزش‌هایی در زمینه مهارت‌های زندگی فرا می‌گیرند. مهارت‌های زندگی توانایی‌های مورد نیاز در کودکان و بزرگسالان می‌باشند که به نوعی رفتار انطباقی مثبت تلقی می‌گردد که باعث می‌گردد آنها در چالش‌های زندگی روزمره مؤثر عمل کنند. نمونه‌های از این مهارت‌های شامل مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های فردی، تصمیم‌گیری و مهارت‌های تفکر انتقادی است (گبینگا ادوالی، ۲۰۱۱). مدیریت آموزشی، امروزه، به مفهوم رهبری و راهنمایی و اصلاح و تغییر مورد نظر است. از این رو، نیل به اهداف

عالی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای، مستلزم به تجدید سازمان و نواندیشی در مدیریت نظام آموزشی است (علاقه بند، ۱۳۸۹). این تغییرات نیازمند تربیت افرادی است که در آنان دانش، نگرش و مهارت‌های فراشناختی و عادات ذهنی جهت یادگیری مادام‌العمر را ایجاد نمود. (نیاز آذری، ۱۳۸۲). در سال‌های اخیر، وزارت آموزش و پرورش ایران، برنامه‌ها و طرح‌های نوینی را ارائه و اجرا نموده است. به دلیل اهمیت دوره ابتدایی و تأثیر اجتناب‌ناپذیر آن بر سایر مقاطع تحصیلی بیشترین تغییر و تحولات صورت گرفته در ده سال اخیر در مقطع ابتدایی صورت گرفته است. بخشی از این تغییرات قرار دادن درس "مهارت‌های زندگی" در برنامه آموزشی مدارس ابتدایی است. مدارس در حال توسعه به عنوان جوامع یادگیری معتقد به شکست دیوار از کلاس‌های درس و مدارس و توسعه یادگیری‌های مشارکتی و حل مسئله در مدارس و بین مدارس با والدین و جوامع محلی هستند تا از این طریق فراگیران را در زمینه مهارت‌های مختلف تجهیز نمایند (اوسود و اینهیل برینچت، ۲۰۱۳). در مدرسی که رویکردهای خلاقانه را مورد استفاده قرار می‌دهند اکثر معلمان به پرورش احساس اعتماد به نفس دانش‌آموزان پرداخته و با خلق حدث و گمان سازنده؛ دانش‌آموزان را به حفظ ذهن باز و کاوش در طیف گسترده‌ای از روش‌ها تشویق می‌کنند که این روش تأثیر محسوس و مثبتی بر توسعه شخصی دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنها برای زندگی خارج از مدرسه می‌گذارد (بروندیت و دانکن، ۲۰۱۵). معلمان با ایجاد سازوکارهایی چون؛ ایجاد یک وب سایت، کارهای عملی در زمینه یادگیری همچون آزمایشات علمی، خلق آثار هنری می‌توانند دانش‌آموزان را در ساختن ایده‌های جدید یاری کرده و مهارت‌های زندگی و تحصیلی دانش‌آموزان را تقویت نمایند (وردینگر و اینلوی، ۲۰۱۳). یکی از علومی که مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی و درسی باید به آن آشنا باشند تا بتوانند از اصول، قواعد و یافته‌های آن در مراحل مختلف طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی استفاده نمایند علم روانشناسی است. این علم به خصوص از نیمه دوم قرن نوزدهم توسعه قابل ملاحظه‌ای یافته و کمک‌های شایان توجهی به اغلب علوم انسانی نموده است. اهمیت توجه به مبانی روانی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی وقتی بیشتر روشن می‌شود که به ماهیت یادگیری در انسان و به خصوص به کم و کیف ایجاد انگیزه و علاقه برای آموختن و همچنین مختصات توانش‌ها و مراحل رشد یادگیرنده و غیره توجه نمائیم. بنابر اهمیت لزوم توجه به روانشناسی

در مسائل آموزش و پرورش به ویژه در اجرای شیوه‌های نوین آموزشی در این تحقیق به روانشناسی مدیریت نوین آموزشی (آموزش مهارت‌های زندگی) در مقطع ابتدایی کشور جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. روانشناسانی که به مطالعه‌ی چگونگی تدریس و تربیت می‌پردازند و مشکلات آموزشی و تربیتی شاگردان را تشخیص می‌دهند و سعی می‌کنند آنها را اصلاح کنند به عنوان روانشناسان تربیتی و روانشناسان مدرسه شناخته می‌شوند. روانشناسان تربیتی اغلب اوقات درگیر بالابردن کیفیت یادگیری و بهبود وضعیت تربیتی دانش‌آموزان مدارس با استفاده از دانش روانشناسی در مورد یادگیری و انگیزش و شخصیت آنان هستند (لطف آبادی، ۱۳۸۸). جامعه ما، با توجه به فرهنگ اسلامی- ایرانی خود، به آموزش آداب زندگی در پرتو اسلام و آن دسته از مهارت‌هایی نیاز دارد که از یک سو دانش‌آموزان را در مسیر زندگی دین مدارانه و متعادل میان جنبه مادی و معنوی زیست این جهانی یاری دهد و از سوی دیگر، افراد را برای مقابله با چالش‌های زندگی روزمره آشنا کند تا افراد از یک زندگی شاد و موفقیت آمیز برخوردار باشند. آنچه که امروزه با نام مهارت‌های زندگی نیز وارد برنامه‌های درسی جهان شده است، حداقل بخش‌هایی از آن در آموزش‌های دینی و اسلامی با نام‌های دیگری مورد توجه بوده است (معافی، ۱۳۸۸). امروزه بسیاری از محققان معتقدند که مهارت‌های مقابل‌های مانند توانایی حل مسأله، دوراندیشی و انجام ارزیابی‌های منطقی و درست به افراد کمک می‌کند تا به طور موفقیت آمیزی با مشکلات مقابله نمایند. اما متأسفانه بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی توانایی‌های لازم را کسب نکرده و در مواجهه با مشکلات روزمره آسیب‌پذیر می‌باشند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۱). تحول و آگاه‌سازی معلمان در جهت مهارت‌های زندگی صرفه جویی در هزینه‌هایی است که در وهله اول به نفع دانش‌آموزان ختم می‌شود. این معلمان با ارائه برنامه‌های بهداشت روانی به دانش‌آموزان، دانش و مهارت آنان را ارتقا می‌بخشند (کولینس و همکاران، ۲۰۱۴). زیرا بسیاری از دانش‌آموزان در رویارویی با مسائل زندگی فاقد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم‌اند و آموزش‌های سنتی و مرسوم در قالب یادگیری‌های درون مدرسه‌ای نتوانسته‌اند آنها را در حل مسائل زندگی یاری کنند (گلیک، ۱۳۸۵). فقدان مهارت‌ها و توانایی‌های عاطفی، روانی و اجتماعی افراد در مواجهه با مسائل و مشکلات آسیب‌پذیر نموده و آنها را در معرض اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می‌دهد (مقدم و همکاران،

۱۳۸۷). سیر صعودی آسیب‌های اجتماعی طی چند دهه اخیر در سراسر جهان، کارشناسان را به بررسی این معضل و یافتن راه حلی برای آن برانگیخته است. نتیجه این بررسی‌ها نشان داد که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ناشی از کمبودهای مهارت‌های روانی اجتماعی لازم برای برخورد مؤثر با مشکلات زندگی هستند (کریمی و فکری، ۱۳۹۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش مهارت‌های زندگی به ارتقاء بهداشت روانی کودکان و نوجوانان در ابعاد مختلف زندگی کمک می‌کند و از اساسی‌ترین برنامه‌های پیشگیرانه در سطح اولیه به شمار می‌رود. سلامتی، بخش اصلی یک زندگی شاد است. مدارس نقش مهمی در آگاه ساختن کودکان و نوجوانان پیرامون مسائل بهداشتی و سلامتی و آموزش مهارت‌های زندگی به آنان دارند (مؤمنی مهموئی و همکاران، ۱۳۹۰). بهترین مکان و موقعیت برای آموزش‌های مهارت زندگی مسیر تحصیلات در آموزش و پرورش است که کودک را از سنین پیش دبستانی تا مقاطع بالای آموزش عالی همراهی می‌کند؛ زمانی طولانی و عالی برای ایجاد تغییرات سازنده در روح و روان آیندگان جامعه (ولی پور و همکاران، ۱۳۹۲). در چنین شرایطی مدارس موظف به آماده کردن دانش‌آموزان برای کسب تجربه‌ها، استفاده از فرصت‌ها و پذیرش مسؤلیت‌ها در زندگی بزرگسالی‌اند. در این مسیر، در سال ۱۹۹۰، کنفرانس بین‌المللی (آموزش برای همه، Education for All) با اهداف تعمیم آموزش ابتدایی، کاهش نرخ بی‌سوادی و ارتقای آموزش مداوم، در تایلند برگزار گردید. در این کنفرانس ۱۵۵ کشور، از جمله ایران متعهد گردیدند که در جهت تحقق اهداف کنفرانس تا پایان سال ۲۰۰۰ میلادی تلاش‌های گسترده‌ای به عمل آورند. یکی از اهداف اصلی این کنفرانس، آموزش در زمینه بهبود کیفیت آموزش و بهداشت روان دانش‌آموزان (مهارت‌های زندگی) است. (گلیک، ۱۳۸۵) کمک به کودکان در رشد و گسترش مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی مطلوب، ایجاد یا افزایش اعتماد به نفس در برخورد با مشکلات و همچنین کمک به آنان در رشد و تکامل عواطف و مهارت‌های اجتماعی لازم جهت سازگاری موفق با محیط اجتماعی و زندگی مؤثر و سازنده ضروری به نظر می‌رسد (مؤمنی مهموئی و همکاران، ۱۳۹۰). برنامه‌های مدارس در جهت آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان، استراتژی‌های مختلفی در جهت کاهش مشکلات و بهینه‌سازی استفاده از مهارت‌های زندگی به عنوان فرصتی که از بطن مدارس بوجود می‌آید (کولینس و همکاران، ۲۰۱۴). به نظر می‌رسد به علت پیچیدگی‌های جامعه

تحلیل عاملی ارائه شده است که شاخص‌های بدست آمده نشان از برازش مطلوب مدل داشت.

جدول شماره ۱- آماره های نیکویی برازش پرسشنامه محقق ساخته براساس داده های گروه نمونه روایی بایی

مدل	χ^2/df	NFI	IFI	CFI	NNFI	RMSEA	RMR
۱	۱/۱۵۸	۰/۹۰۹	۰/۹۸۳	۰/۹۸۲	۰/۹۴۰	۰/۰۳۱	۰/۱۵

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، خطای انحراف استاندارد و جداول فراوانی) و آمار استنباطی (آزمون تی تک نمونه‌ای، تی دو نمونه‌ای و تحلیل واریانس یکراهه) استفاده شد. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار Spss و Amos صورت پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲- یافته های توصیفی

متغیر	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۵۵/۵
	زن	۴۴/۵
پایه تحصیلی	پایه اول	۲۳/۸
	پایه دوم	۲۰/۱
	پایه سوم	۲۰/۷
	پایه چهارم	۱۸/۹
	پایه پنجم	۱۶/۵
تحصیلات	دیپلم	۲۰/۱
	کارדانی	۳۶/۶
سنوات خدمت	کارشناسی	۴۳/۳
	زیر ۵ سال	۲۹/۳
	۵ تا ۱۰ سال	۲۶/۸
	۱۱ تا ۲۰ سال	۲۵/۵
	بالای ۲۱ سال	۱۸/۹

جدول شماره دو نشان می‌دهد که از ۱۶۴ نفر نمونه ۹۱ نفر مرد و ۷۳ نفر زن بوده‌اند. در زمینه پایه تحصیلی که معلمان در آن مشغول به تدریس هستند، پایه اول با ۲۳/۸ درصد بیشترین و پایه پنجم با ۱۶/۵ کمترین تعداد بودند. از جنبه تحصیلات معلمانی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بودند، با ۴۳/۳ درصد بیشترین تعداد و معلمانی که دیپلم داشتند ۲۰/۱ کمترین تعداد افراد نمونه از جنبه سن بود. در رابطه با سنوات خدمتی نیز معلمان زیر ۵ سال خدمت بیشترین و معلمانی که بیشتر از ۲۱ سال سابقه دارند، کمترین تعداد نمونه بود (سایر نتایج در جدول ۳).

جدول شماره ۳- بررسی نرمال بودن داده ها با استفاده از

آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف

تعداد	میانگین	آماره کولموگوروف اسمیرنوف	سطح معنی داری
۱۶۴	۳,۴۵۳	۱,۱۷۸	۰/۱۲۵

امروز، با دروس و فعالیت‌های آموزشی ارائه شده در دوره‌های آموزش عمومی کنونی، دانش آموزان به اهداف رشد آموزشی، فرهنگی و اجتماعی به طور کامل نمی‌رسند، آمادگی لازم برای تمرین مسؤلیت‌ها و تجارب زندگی بزرگسالی را کسب نمی‌کنند و به سطح مناسبی از بهداشت روان نیز دست نمی‌یابند (نیک پور، ۱۳۸۳). مطالعات پژوهشی هم نشان می‌دهند که دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی از مهارت‌های زندگی پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. یکی از پژوهش‌های انجام شده حاکی از آن است که دانش آموزان در مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، همدلی، خودشناسی، ایجاد روابط مؤثر با دیگران و مهارت اجتماعی با مشکلات زیادی روبرو بوده و میانگین کسب شده در مهارت‌های فوق بسیار پایین بوده است. لذا آموزش این مهارت‌ها می‌تواند موجب ارتقای رشد شخصی و اجتماعی و پیشگیری از مشکلات روانی - اجتماعی شود (فرزام نیا، ۱۳۸۱). دیوید سلبی (۲۰۰۰) معتقد است که از آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش توانایی‌های روحی و اجتماعی است، آن مهارت‌هایی که می‌تواند افراد را در اداره مؤثر نیازها، سختی‌ها و فشارهای زندگی توانا سازد (ادیب، ۱۳۸۲). بی‌ین (۲۰۰۰) ضمن اشاره به مهارت‌های ارتباطی، تفکر استدلالی، مهارت‌های بین فردی یادگیری چگونه یادگرفتن، مسؤلیت‌های فردی و اجتماعی را به عنوان یک مهارت زندگی مهم مورد تأکید قرار می‌دهد. با توجه به مطالب بیان شده هدف از انجام بررسی حاضر با توجه به روانشناسی مدیریت نوین آموزشی، پاسخگویی به این سؤال است که آیا با آموزش درس مهارت‌های زندگی زمینه رشد مهارت‌های زندگی برای دانش آموزان فراهم می‌شود؟

روش شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع غیر آزمایشی و توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، معلمان شاغل در مدارس ابتدایی شهر ایلان که در پایه‌های تحصیلی اول تا پنجم تدریس می‌کنند، بودند. که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و از طریق فرمول نمونه‌گیری مورگان تعداد ۱۶۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه ۲۵ سؤالی محقق ساخته که در طیف پنج درجه ای لیکرت طراحی شد بود. روایی پرسشنامه مورد تأیید متخصصین و اساتید قرار گرفت و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶۷ و تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت که در جداول زیر یافته‌های مربوط به

مقابله با استرس، همدلی، تفکرخلاق و... لزوم توجه به آموزش آن را ایجاب می‌کند. با توجه به این موارد این پژوهش در جهت پاسخ به این سؤال بود که: آیا با آموزش درس مهارت‌های زندگی زمینه رشد مهارت‌های زندگی برای دانش آموزان فراهم می‌شود؟ نتایج نشان داد که معلمان بیش از اندازه متوسط معتقد به رشد مهارت‌های زندگی دانش آموزان از طریق آموزش درس مهارت‌های زندگی در مقطع ابتدایی هستند. این نتایج به یافته‌های پژوهشی بندک و همکاران (۱۳۹۳)، ولی پور (۱۳۹۲)، نجفی و همکاران (۱۳۹۱)، مؤمنی مهمویی (۱۳۹۰)، گبینگا ادوالی (۲۰۱۱)، کولینس و همکاران (۲۰۱۴)، بروندریت و دانکن (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. با توجه به این نتایج پیشنهاد می‌گردد جلسات آموزشی مهارت‌های مختلف زندگی جهت والدین توسط سازمان‌های مردم نهاد، برگزار گردد. وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسساتی که به نوعی با تعلیم و تربیت، آموزشی، بهداشت روانی و اصلاح و تربیت قشر نوجوان سروکار دارند، می‌توانند از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی به سلامت روان و افزایش مهارت‌های آنان کمک نمایند. در سطح مدارس، مربیان و معلمان مدارس با بهره‌گیری از فنون روانشناسی و مشاوره و همکاری با روانشناسان، مشاوران و مربیان بهداشت مدارس سعی کنند در ارائه هرچه بهتر این آموزش‌ها به دانش آموزان تلاش نمایند. از طریق رسانه‌های گروهی و با بهره‌گیری از کارشناسان مجرب، به آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان یک برنامه همگانی پرداخته شود، تا ضمن اطلاع رسانی در خصوص تأثیر مثبت آموزش مهارت‌های زندگی، همه سطوح جامعه به ویژه کودکان و نوجوانان با اهمیت این برنامه و تأثیر مثبت آن بر ابعاد گوناگون سلامت روان و عزت نفس آشنا شوند.

References

- Adib, Y 2003. *Design an appropriate model life skills curriculum for general education courses*, Tarbiat Modarres University doctoral dissertation (Persian).
- Alaghemand, A 2010. *Introduction to Educational Management*, Eighth Edition. Tehran: Ravan publications (Persian).
- Bandak, M, Maleki, H, Abbas Pour, A, etal 2014. The effect of life skills training on student creativity. *Journal of initiative and creativity in the humanities*, Vol.4, No.1, Pp.189-200 (Persian).

با توجه به جدول بالا می‌بینیم که متغیر پژوهش دارای توزیع نرمالی می‌باشد و سطوح معنی‌داری در آن بیشتر از ۰/۰۵ بود. بنابراین با اطمینان ۰/۹۵، توزیع متغیرها نرمال است و می‌توان برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود. آیا با آموزش درس مهارت‌های زندگی زمینه رشد مهارت‌های زندگی برای دانش آموزان فراهم می‌شود؟

جدول شماره ۴- آزمون تی در مورد نقش آموزش درس مهارت‌های زندگی در زمینه این مهارت‌ها در دانش آموزان

متغیر	تعداد	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	میانگین نظری	مقدار T	درجه آزادی	سطح معنی داری
مهارت‌های زندگی	۱۶۴	۳/۴۵۳	۰/۵۱۱	۳	۱۱/۳۵۳	۱۶۳	۰/۰۰۱

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد که نقش آموزش درس مهارت‌های زندگی در زمینه این مهارت‌ها در دانش آموزان مقدار T (۱۱/۳۵۳) با درجه آزادی (۱۶۳) در سطح $(\alpha = 0/01)$ از نظر آماری معنادار بود لذا تفاوت معناداری بین میانگین نظری و میانگین تجربی وجود داشت و با توجه به اینکه میانگین تجربی (۳/۴۵۳) بزرگتر از میانگین نظری (۳) بود لذا می‌توان ادعا کرد که نقش آموزش درس مهارت‌های زندگی در زمینه این مهارت‌ها در دانش آموزان مطلوب بوده است.

بحث و نتیجه گیری

در نتیجه برنامه آموزش مهارت‌های زندگی ضرورتی فراملی و جهانی است که در سطح ملی و جهانی نیز ضرورت توجه ویژه به آن از منطقی نیرومند و مستحکم برخوردار است بدیهی است برای دستیابی به نسلی سالم، کارآمد و مؤثر باید دانش آموزان و دانشجویان پس از اتمام تحصیلات، علاوه بر مهارت‌های علمی، واجد رشد اجتماعی کافی، سلامت روانی و قدرت تأثیرگذاری باشند. به این ترتیب به جهت اهمیت علم مهارت‌های زندگی در کلیه ابعاد حیات انسانی، ضرورت آگاهی از آن برای کلیه افراد در هر موقعیت و شرایط بکارگیری اصول اساسی آن در جهت ایجاد زندگی سالم، مفید و رو به تکامل آشکار می‌شود (کریمی و فکری، ۱۳۹۲). آموزش مهارت‌های زندگی موجب ارتقای توانایی‌های روانی و اجتماعی می‌شود و این توانایی‌ها فرد را برای برخورد مؤثر با کشمکش‌ها و موقعیت‌های زندگی یاری می‌بخشند، و به او کمک می‌کنند تا با سایر انسانها، جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگاران عمل کند و سلامت روانی خود را تأمین کند. از سوی دیگر ضعف در مهارت‌هایی همچون

- improve mental abilities - social. *Journal of Community Medicine*, No.1, Pp.26-34(Persian).
- Momeni Mahmoudi, H, Timuri, S, Rahmanpour; M 2011. The effect of life skills training on mental health and self-esteem of female students in the fifth grade of primary school. *Journal of New Thoughts on Education*, Vol.6, No.4.Pp. 91-112(Persian).
- Najafi, M, Beghdili; I, Dehshiri, G, etal 2012. The role of life skills in predicting students' mental health. *Journal of Counseling and Psychotherapy culture*. Vol.3, No.11, Pp.101-116(Persian).
- Niaz Azeri, K 2003. *Metacognition in teaching-learning process*. Tehran: Farashenakhti Andisheh Press(Persian).
- Oswald, M, Engelbrecht, P 2013. Leadership In Disadvantaged Primary Schools: Two Narratives Of Contrasting Schools. *Educational Management Administration & Leadership* Vol.41, No.5, Pp. 620-639.
- Selbi 1998. "The Well- managed Classroom: *Promoting Student Success through Social Skill Instruction*".
- Shokouhi, M 2008. *Descriptive evaluation in primary education glimpse of the new system*. The Islamic Republic of Iran News Paper(Persian).
- Valipour, A, Balui Jamkhaneh, E, Saghai, S 2013. Effect of life skills training on the satisfaction of a student's life. *Journal of Educational Management*, Vol.4, No.4, Pp. 39-56(Persian).
- Wurdinger, s, enloe,w 2013. Cultivating life skills at a project-based charter school. *Improving Schools November*, Vol.1, No.16, Pp. 244-260.
- Yau, h.k, cheng,l.f, 2013. Quality Management in Primary Schools. *International Education Research*, Vol.1, No.4,Pp. 16-31.
- B.yen, T 2000. *A Comprehensive approach to Social Skill training with Urban African- American adole Scents*, ph .D. Dissertation in Temple University Nu Pub, AAT 9966011.
- Brundrett,m, Duncan,d 2015. Leading curriculum innovation in primary schools. *Management in Education*. Vol.25, No.3, Pp. 119-124.
- Collins,s, Woolfson,m,l, durkin,k 2014. Effects on coping skills and anxiety of a universal school-based mental health intervention delivered in Scottish primary schools. *School Psychology International*, Vol. 35, No.1, Pp. 85-100.
- Farzamnia, M 2002. Review and identify the role of internal factors in the acquisition of life skills among high school students in Golestan province, Project number 60. The Secretariat of National Education document outlines the development plan of Iran, the Ministry of Education(Persian).
- Gbenga Adewale,J 2011, *Competency level of Nigerian Primary 4 pupils in life skills achievement test*, Education 3-13, Vol.39, No.3, Pp.221-232.
- Gilak, M 2006. *Life skills training*. *Journal of Peivand*, Vol.25, No.318. Pp.36-42(Persian).
- Karimi, F, Fekri, S 2013. Sensing the Junior High School Life Skills students. *Journal of Education and Evalouation*. Vol.6, No.22, Pp.73-85(Persian).
- Lotf Abadi, H 2009. *concepts and principles and the basic findings of scientific knowledge of educational psychology as a backing instrument of National Education*. conference committee theoretical studies, journalism students in Iran(Persian).
- Moafi, M 2009. *Scientific fundamentals of life skills training practices*. Tehran: Organization for Research and Educational Planning, Office of Planning and writing textbooks (Persian).
- Moghadam, M, Rostami Goran, d, Arasteh, M, etal 2008. The Effect of Education on Knowledge and Attitudes of College Freshmen single life skills, life skills and

To investigate the psychology of modern learning management "life skills education" elementary schools of the Islamic Republic of Iran

Tahereh Roshani^{1,*}

¹: Academic lecturer, Department of Educational Sciences and Psychology, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

Abstract: The aim of the present study was to evaluate psychology of modern management "life skills education" in elementary schools of the Islamic Republic of Iran. It is a non-experimental descriptive study. The statistical population included all elementary school teachers in of first to fifth grade in Ilam. 164 people were selected by simple random sampling through a sampling formula of Morgan. The research instrument was a self-made questionnaire. Its validity was confirmed by experts and instructors, and its reliability was approved through Cronbach alpha Coefficient (.867) and confirmatory factor analysis. The results showed that teachers believe more than average in students' life skills development through teaching life skills in elementary school. The female teachers' viewpoint about this training role in developing student skills was better than male teachers' viewpoint but there was not a significant difference in term of education level and work experience.

Keywords: Psychology, Modern Learning Management, Life Skills Training, Elementary school.

***Corresponding author:** Academic lecturer, Department of Educational Sciences and Psychology, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

Email: t.roshani91@yahoo.com